

«رقابت با آرای باطله» کلید واژه‌ای بود که حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم در مراسم سالگردآیت‌... هاشمی رفسنجانی استفاده کرد، روحانی در این مراسم یادآوری شرایط انتخابات مجلس یازدهم و ریاست جمهوری سیزدهم در سال های ۹۸ و ۱۴۰۰، از این دو انتخابات تحت عنوان «انتخابات حداقلی» یاد کرد و تاکید کرد؛ «شرایط فعلی انتخابات امتحان بزرگ تاریخی برای شورای محترم نگهبان است.» او باکنایه به آرای کاندیداهای انتخابات ۱۴۰۰، عنوان کرد؛ «باز می خواهیم کاری بکنیم که رقیب اول منتخب اول ملت آرای باطله باشد؟! در ۱۴۰۰ کیب کسی که انتخاب شد، هیچ کس نبود جز آرای باطله. رأی اول رأی رئیس جمهور بود، رأی دوم آرای باطله! خب چرا این کار را کردیم؟! ۳ جرایل میلیون و هفتصد هزار، چرا حدود ۴ میلیون نفر رفتند رأی سفید و باطله به صندوق ریختند! چرا این کار را کردیم؟! خب یک نفر دیگر را تایید می کردیم یک انتخابات رقابتی به پای می شد. ببینید مقام معظم رهبری سخن بسیار مهمی فرمودند، فرمود اگر تحول می خواهید (که کشور نیاز به تحول دارد) در سایه انتخابات است. ماتحول می خواهیم، ملت بالاتر و گسترده تر است. مردم یک زندگی راحت می خواهند. ” انشاره روحانی به رقابت آرای باطله با فرد منتخب از آنجایی نشأت می گیرد که همزمان با اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ از سوی وزارت کشور، مشخص شد آرای باطله باأمار ۳ میلیون و ۷۲۶ هزار و ۸۷۰ که حدود ۱۳ درصد از مجموع آرای مأخوذه را شامل می شد، بزرگ ترین رقیب فرد منتخب یعنی ابراهیم رئیسی در این انتخابات بوده، رقیبی که میزان آرای اواز آرای سایر رقبایبشتر بود.

روحانی نگران چیست؟

اما نگرانی روحانی به خاطر چیست؟ تا کیدایت چندین باره او بر ضرورت مشارکت حداکثری در انتخابات و عملیاتی شدن تا کیدایت رهبری درباره انتخابات حداکثری و انتخابات رقابتی از کجا نشأت می گیرد؟ مرور اظهارات اوطی چندماه اخیر و مشخصا اظهاراتش در مراسم سالگرد رحلت آیت ... هاشمی علت این نگرانی ها روشن می کنند. او در این مراسم می گوید: «برای اولین بار در سال ۹۸ و ۱۴۰۰ ما انتخابات حداقلی داشتیم. این درد را به کجا پیروز؟! خب در ۹۸ شما که می گفتید دولت حاکم محبوبت ندارد، خوب تایید می کردید آن هایی که طرفدار دولت بودند. به نظر شما که محبوبیت نداشتند، رأی هم نمی آوردند. خیلی هم برای تان خوب بود که. چرا هر کس در ۹۸ کوچک ترین نسبتی، کوچک ترین حمایتی از دولت کرد و وارد صلاحیت کردید؟ چرا چنین کاری کردید؟ شما که گفتید این دولت اصلا محبوبیت ندارد در جامعه! کسی آن را قبول ندارد! خوب همه طرفداران دولت را تایید می کردید و آن ها رأی نمی آوردند و حرف شما به کرسی نشاند می شد. چرا ۹۸ کاری کردیم که اکثریت مردم پای صندوق آرایابمند. البته طبق قانون، یک انتخابات زیر ۵۰ درصد هم قانونی است. نمی توانیم بگوییم این انتخابات درست نیست، به هر حال قانونی است. اما آن انتخاباتی است که ملت مادر انقلاب به دنبال آن بود. آن انتخاباتی است که امام توصیه می کرد، آن انتخاباتی بود که می توانست قدرت ملی را بالا ببرد. آن انتخاباتی بود که مردم را آرام می کرد. آن روحانی در ادامه مژوری برد و نثار از این مشارکت بالای زند و تا کید می کند: «ما انتخابات ۹۶ و ۹۲ داشتیم. در ۹۲ نزدیک ۷۳ درصد، در ۹۶ بیش از ۷۳ درصد. مردم پای صندوق آرایابمند، رأی دادند. چطور شد که در ۹۲ ما هر جراحی اقتصادی کردیم مردم تحمل کردند؟ ما همان هفته های اول یک جراحی بزرگ اقتصادی کردیم؛ آمدیم از کالاهای اساسی را که دورخی بود (هزار و دویست و خرده ای بود و چهار هزار و دویست و خرده ای) ما آمدیم تک نرخی کردیم. ۱۲۰۰ را برداشتیم. کردیم چهار هزار و خرده ای. عده ای از اقتصاددان ها به می گفتند با این کار یک تورم بزرگ درست می شود. این جراحی انجام گرفت، اصلا مردم متوجه آن نشدند؛ این قدر آرام این کار انجام گرفت. یک صدم واحد درصد هم تورم بالا نرفت، تورم سر جای خودش ایستاد و تورم پایین آمد. روزانه تورم پایین آمد. وی و او ای: «در سال ۹۳ قیمت بنزین از ۴۰۰ تومان رفت به ۷۰۰ تومان و هزار تومان؛ یعنی تقریبا از مجموعا سرجمع از دو برابر هم بیشتر شد. دوستان ما در مجلس برای این کار ماتورم ۴ درصدی رایش بینی می کردند. دوستان ما در دولت تورم ۱۲ درصدی رایش بینی می کردند. یک واحد درصد هم تورم ایجاد نشد. جای تعجب همه اقتصاددان ها که چرا؟ چون مردم با حکومت بودند، مردم با دولت بودند. مردم در انتخابات شرکت کرده بودند. مردم دولت را مال خودشان می دانستند. چرا نتوانستند به برجام اجرایی و عملیاتی شده عملیات بزرگ، که الان نمی خواهم توضیح دهم که آخرینش برجام را از بین ببرند؟ بعد از تر ۹۴ تا ۲۷ دی ۹۴ که برجام اجرایی و عملیاتی شده عملیات بزرگ، که الان نمی خواهم توضیح دهم که آخرینش برجام را از بین ببرند. چرا ناموفق بودند؟ چرا نتوانستند؟ به دلیل اینکه دنیای می دانست پشت سر دولت، ملت است. وزیر خارجه آمریکا به وزیر خارجه ما گفته بود ما اجتماع مردم را در سفر فلانی (یعنی بنده) در اصفهان دیدیم. در ۱۵ به همین سال ۹۲ در اصفهان ر فتم، سفر استانی. اجتماع عظیم بی نظیری بود. بعضی از دوستان اصفهانی می گفتند تا حالا یک همچین اجتماعی کی همچین عظمی ما ندیده ایم. در آن اجتماع بزرگ وزیر خارجه امریکابه وزیر خارجه ما گفته بود ما می دانیم بعد حامی دولت است و ما صفهان را دیدیم. اظهارات روحانی حکایت از ضرورت همراهی مردم با دولت و حاکمیت برای پیشبرد برنامه دارد و بدون شک مشارکت حداکثری در انتخابات یکی از مهم ترین جلوه های این همراهی است.



حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پیام حمله آمریکا این است که نگران جنگ فراگیر نیست

حملات یمنی ها به کشتی های

اسرائیلی برای حمایت از مردم غزه بود

حمایت غرب از اسرائیل در جنگ غزه

همچنان ادامه دارد

آرمان ملی- احسان انصاری: «حمله آمریکا و انگلیس به یمن و مواضع رهبران آمریکا و متحدانش این پیام را به همراه دارد که ایالات متحده و سایر کشورهای غربی نگران وقوع جنگی فراگیر و همه جانبه در خاورمیانه نیستیم. براساس ذهنیت این گروه از بازیگران کشورهای غربی حمله به مواضع انصارا... یمن می تواند آرامش را به منطقه. دریای سرخ و باب المندب بازگرداند. چنین نگاهی، نگاهی مضیق است. براساس دیدی موسع تر باید گفت که آرامش دریای سرخ و به تبع آن خاورمیانه در گرو توقف حملات اسرائیل به غزه است. حمله به مواضع انصارا... صرفا تنش ها در منطقه را تشدید خواهد کرد و این گزاره ای است که به نفع ایالات متحده و انگلیس نیست.» حملات ذکر شده اظهارات حسن بهشتی پور، تحلیل گرو روابط بین الملل در گفت و گو با «آرمان ملی» است. بهشتی پور در این گفت و گو به مهم ترین دلایل و پیامدهای حمله نظامی آمریکا و متحدانش به یمن پرداخته که در ادامه می خوانید.

مهم ترین دلایل حمله نظامی آمریکا و انگلیس به یمن چه بود؟ حملات انصارا... یمن و حملات موشکی و پهپادی شان به کشتی های تجاری که یا اسرائیلی هستند یا مقصد آنها سرزمین های اشغالی است، با هدفی روشن انجام شده است. همان گونه که انصارا... خود عنوان کرده، این حملات در پاسخ به محاصره بی رحمانه نوار غزه توسط اسرائیل و ممانعت این بازیگر از ارسال محموله های بشردوستانه به ساکنان غزه و دسترسی فلسطینی های ساکن این نوار به آب آشامیدنی و غذاست. در شرایطی که فلسطینی ها هدف جنایتی سیستماتیک و سازمان یافته قرار گرفته اند، گروهی مدعی اند که حملات انصارا... یمن به دریای سرخ و باب المندب، آبراه هایی که از منظر استراتژیک و تجاری با اهمیت و حیاتی هستند، می تواند برای خاورمیانه و کل منطقه پرهزینه باشد؛ چرا که چنین حملاتی از جانب آمریکا و سایر متحدان غربی این بازیگر که ائتلافی موسوم به «نگهبان رفاه» را تعریف کرده اند، بی پاسخ نمی ماند. در پاسخ به این ادعا باید گفت که غرب برای بازگرداندن آرامش به این منطقه استراتژیک و راهبردی به جای آنکه مواضع این گروه در یمن را هدف قرار بدهد باید با لحاظ کردن خواست انصارا...، جهت پایان دادن به کشتار بی رحمانه فلسطینی ها و محاصره نوار غزه، خیز جدی بردارد. چنین گزاره ای صرفا از طریق تحت فشار قرار دادن اسرائیل مبنی بر خروج از غزه و پایان دادن به حملات تجاوزکارانه اش محقق خواهد شد. به بیانی دیگر، اینکه ایالات متحده، انصارا... یمن را برای توقف حملات تحت فشار قرار دهد، اما به اسرائیل چراغ سبز نشان داده تا به حملاتش ادامه دهد، خطای بزرگ و پرهزینه ای است. یمن صرفا کشتی هایی را هدف قرار داده است که با متعلق به اسرائیل هستند یا مقصد این کشتی ها سرزمین های اشغالی است. یمن بارها اعلام کرده است که اگر اسرائیل جنگ را متوقف کند و به محاصره این نوار باریکه پایان دهد، حمله به کشتی ها در دریای سرخ را متوقف خواهد کرد. اما ما شاهد آن هستیم که ایالات متحده به جای آنکه اسرائیل را برای توقف ماشین جنگی اش تحت فشار بگذارد، صنعا، حدیده و سایر مناطق تحت کنترل انصارا... را هدف حملات موشکی اش قرار داد.

آیا حملات آمریکا و انگلیس به یمن برای تقویت مواضع نظامی و سیاسی اسرائیل در منطقه بوده است؟ این حمله چه تأثیری روی جنگ غزه خواهد گذاشت؟ ایالات متحده و انگلیس در جریان حملات اسرائیل به نوار غزه از این بازیگر به شکلی همه جانبه حمایت کرده اند؛ خواه حمایت های سیاسی و دیپلماتیک و خواه حمایت های نظامی. کمک های ارسالی نظامی به اسرائیل در حالی در اختیار تل آویو قرار گرفت که نه واگشتن و نه لندن هیچ کدام به عواقب و هزینه های احتمالی چنین ماجراجویی فکر نکردند. از منظر آنها بقای اسرائیل بر همه مقوله ها حتی مقوله های حقوق بشری اولویت داشته و دارد. از همین رو رهبران آمریکا و بازیگران غربی چشم بر کشتار بیش از ۲۳ هزار فلسطینی در کمتر از چهار ماه بستند، کشتاری که بیش از دو هزار نفر از آنها کودکان بودند، اما چنین کشتار بی رحمانه ای از منظر بازیگران غربی چندان با اهمیت نبود.

این اقدام چه پیامی برای متحدان استراتژیک یمنی ها در منطقه خواهد داشت؟

این اقدام و مواضع رهبران آمریکا و متحدانش این پیام را به همراه دارد که ایالات متحده و سایر کشورهای غربی وقوع جنگی فراگیر و همه جانبه در خاورمیانه نیستند. براساس ذهنیت این گروه از بازیگران کشورهای غربی حمله به مواضع انصارا... یمن می تواند آرامش را به منطقه، دریای سرخ و باب المندب بازگرداند. چنین نگاهی، نگاهی مضیق است. براساس دیدی موسع تر

محاسبه اشتباه این گروه از بازیگران غرب این است که تصور می کنند با حمله به پایگاه های انصارا... و به عبارتی پاک کردن صورت مساله می توانند دست بالا را داشته باشند و آرامش را برگردانند. این بسان باور ادعایی اسرائیلی هاست که بر این باور بودند با حمله به غزه قادرند حماس را کناز بزنند، اما شاهد این واقعیت هستیم که محاسبه این گروه از بازیگران اشتباه از آب درآمده است. غزه ویران شده، اما حماس متوقف نشده است. آنچه می تواند زمینه ساز بازگشت صلح به منطقه شود، دیپلماسی و تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای موافقت با صلح و خروج از غزه است

یادداشت

ایران و مساله امنیت سایبری



محمد حسین واحدی

کارشناس مسائل سیاسی

چندی است که شاهد رخنه یا هک سیستم های کامپیوتری و سایبری ایران هستیم. این مساله شاید به دلیل کنترل و فروش آن اطلاعات باشد اما این چیزی نیست که فقط در ایران رخ دهد و از این دست حملات در کل دنیا معمولاً مرسوم و اوج این حملات در آمریکا، اروپا و چین رخ می دهد که از این لحاظ در مرکز جهان قرار دارند و تحولات جهانی در زمینه تکنولوژی و ارتباطات در این سه نقطه از جهان که با هم پیوند دارند رقم می خورد. ولی با این حال در ایران هم شاهد این چنین حملاتی هستیم. طی دو دهه اخیر این حملات بیشتر نیز شده است. ایران امروز علاوه بر اینکه در حوزه دفاع تکنولوژیک ضعیف است اما در عین خود یکی از کشورهای پیشتاز در حملات سایبری نیز محسوب می شود و ما این را در برخورد با اسرائیل چند بار مشاهده کردیم. اما مشکل کجاست؟ به بیان ساده اگر بخواهیم این مشکل را واکاوی کنیم باید به اهمیت دادن سیاست خارجی سایبری بیش از دفاع الکترونیکی یا جنگ الکترونیکی اشاره کنیم ما آنقدر خود را در حوزه حملات سایبری تقویت کرده ایم که اصلاً به فکر دفاع کردن از خود در برابر حملات سایبری خارجی نبوده ایم و اگر هم روی این موضوع کار کرده باشیم صرفاً در ابعاد نظامی آن است. در هفته پیش که ما شاهد حملات گسترده به زیرساخت های انرژی خود یعنی پمپ بنزین ها بوده ایم هرچند این حملات محدود بود ولی آثار مادی و روانی بسیاری از خود برجای گذاشت که تا چند روز باقی ماند. چند وقت پیش هم حمله سایبری بی سابقه ای در ایران شکل گرفت که بر خلاف حمله قبلی نه فقط برای آسیب نبوده بلکه هدف حمله این بار سرعت اطلاعات مردم بوده است و هرکجا موفق شده اند تا اطلاعات زیادی از مردم را به دست بیاورند و در نهایت آن اطلاعات را در دارک وب یعنی بخش تاریک و غیر قابل دسترس اینترنت حدود ۳ ترابایت داده را به قیمت ۳۰۰۰ دلار به فروش برسانند که در آخر پشیمان شدند این گروه هکری که شرکت اسنپ فود را هک کرده بود اعلام کرد با این شرکت به توافق رسیده و اطلاعات بیش از ۲۰ میلیون کاربر که در اختیار آنهاست، فروخته نخواهد شد. فرض کنید اطلاعات یکی از اشخاص مهم جامعه در آن آلیکسیشن ذخیره شده باشد با هک اسنپ فود و سپس فروش آن اطلاعات کشورهای خارجی مانند اسرائیل و آمریکا نیز قادر به خرید آن اطلاعات خواهند بود و به همین راحتی اطلاعات افراد را می توانند به دست بیاورند که از این لحاظ با مشکل بسیار بزرگی روبه رو خواهیم شد. حالا باید چه کار کرد؟ تنها راه حل این است که سیستم های امنیتی سایبری خود را پیچیده تر کنیم زیرا در دنیا چیزی در علم کامپیوتر نداریم که در آن نشود نفوذ کرد فقط می توان امنیت یک سیستم را به قدری بالا برد که به سختی بتوانند افراد در آن نفوذ کنند و اینکه از تجهیزات به روز و مطابق با فناوری های رایجی اما بومی استفاده کند و از افراد متخصص این زمینه کمک بگیرد. اگر این نکاتی که ذکر شد انجام نشود و اقدامات لازم صورت نگیرد آینده خوبی از لحاظ زیرساخت های سایبری و تکنولوژیک نخواهیم داشت زیرا هر باری که این حملات انجام می شود خساراتی را با خود به همراه می آورد که اثرات نهایی آن درازمدت نمودار می شود که معمولاً مخرب است. اسرائیل یک واحد نظامی سایبری دارد به نام ۸۲۰۰ که مسئولیت حملات سایبری، رمزگشایی کدهای اینترنتی، شنود و... را بر عهده دارند هدف این گروه تخریب و جمع آوری اطلاعات از کشورهایی است که اسرائیل آنها را دشمن خود می داند. این واحد نظامی در مواردی از غفلت های ایران استفاده کرده و توانسته حملات را انجام دهد. ایران به دلیل مقابله با قدرت های جهانی توجه خیلی از کشورها را برانگیخته و سبب شده اقداماتی را داخل ایران انجام دهند که برای آنان انجام این حملات بسیار ضروری و جذاب به نظر می رسد تا بتوانند اطلاعات خوبی را از طریق کسب کنند یا ضربه ای مخرب به این زیر ساخت ها بزنند. لذا ایران با توجه به مواردی که به آنها اشاره شد هیچ راه دیگری ندارد جز تقویت و توسعه زیرساخت های سایبری، اطلاعاتی و امنیتی خود تا بتواند ایفای فاعی سایبری خود را مقاوم تر کند.

خبر

امیر رضا واعظی آشتیانی:

اصلاح طلبان میانه رو حسابشان را جدا کنند

یک فعال سیاسی اصولگرا اظهار داشت: خود تئورسین های اصلاحات هم می دانند پایگاهی در میان مردم ندارند. اتفاقات اخیر نشان داد، اصلاح طلبان مخاطب چندانی در جامعه ندارند و برای این هم عدم مشارکت را کلید زده اند زیرا می دانند اگر بیایند رأی بخواهند داشت و حتی کسانی که در گذشته علاقه داشتند به اینها رأی دهند هم، اکنون تمایلی برای رأی دادن به اینها ندارند. امیر رضا واعظی آشتیانی گفت: اعتدال و بخش هایی از اصلاح طلبان می خواهند لیست دهند که حتما فضای انتخابات را رقابتی می کنند. اخیراً هم که آقای محصولی، دبیرکل پایداری، گفت احتمال لیست واحد وجود دارد، به نظر می رسد اصولگرایان بتوانند به ائتلاف برسند. اصلاح طلبان روی عدم ائتلاف اصولگرایان حساب باز کرده بودند و اگر ائتلاف در میان اصولگرایان شکل بگیرد، مواضع اصلاح طلبان تندتر می شود. هر چه اصولگرایان بد واحد شوند، عقب نشینی اصلاح طلبان بیشتر می شود. وی افزود: افرادی امثال حجاریان و تاجزاده و طیف های دنباله روی آنها گفتمان شان نخ نما شده است و موضوع تازه ای برای گفتن ندارند. واعظ آشتیانی بیان کرد: آن دسته از اصلاح طلبانی که هنوز رگ و ریشه های انقلاب را قبول دارند باید حسابشان را از رادیکال ها جدا کنند. آنها حرف هایی می زنند که نفع عمومی نیست و از واژه اصلاحات سوء استفاده می کنند. اگر شورای نگهبان را حذف کنند این می شود اصلاحات؟ یا افرادی که دارای محکومیت قضایی هستند را به صحنه انتخابات بیاورند، می شود اصلاحات؟ اینها دیگر اصلاح طلب هم نیستند و عملاً در دایره پیروزیون تعریف می شوند.